

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۴ تیر ۹۴

خطبه‌ی شب ۱۹ رمضان شب قدر

حمد و سپاس از آن خداوند حکیم و عزیز و کریم است که هدایت فرمود ما را به آخرین و کامل‌ترین دینش و شناساند به ما پیامبر و امامان برگزیده‌اش را و قرار نداد از ناکثین و قاسطین و مارقین و جاهلان حق و مقام آنان؛ و محبت و دوستی ایشان را در دل‌هایمان جا داد و ایامی را بر ایشان مخصوص گردانید تا پیروانشان ابراز پیروی و دوستی نمایند. پس شکر بر پروردگار یکتا و سلام بر تاج پیامبران خاتم انبیا حضرت محمد (ص) و بر خاندان پاکش؛ و سلام نامی است که پروردگار عالم فرمود: سلامتی جان‌ها آنگاه به حقیقت حیات متصل می‌شود که بار گران نفس اماره را از پشت خویش به زمین رحمت پروردگار بگذارد تا حیات حقیقت خویش را آشکار کند. حیاتی که از حرارتش عالم شکل گرفت و گرما و سرما قالب خویش را شناخت و آنگاه عرضه داشت: ای پروردگارم چرخش ایام را به حق آفریدی و در آن ساعات و دقیقه‌ها را به چرخش در آوردی تا معمایی را که نامش حیات است را تفسیر کنی، اینک آن معما از درون جان‌ها به حرکت درآمده تا آفرینش را به انوارش بیاراید. پس به تمنایی عرضه می‌دارد: ای خداوند کریم نشانه‌ها را یافته‌ام و خانه‌ی ابدیم را شناختم، در آن خانه مهمان شدم و بر سر سفره‌ی احسانش نشستم، از انوارش متنعم شدم، یاریم کن که بر تخت سلطنتم باز گردم و بار دیگر صدای رحمتت را به گوش جان بشنوم که فرمودی: به بهشت درآید و از آنچه که خواهید بخورید که منع کننده‌ای ندارید.

ای مهمانان کوی عشق به فرموده‌ی سرور عالمیان کوثر جاریه‌ی الهی حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) در این شب قدر در خانه‌ی رحمت الهی بر سر سفره‌ی احسان پروردگار نشستیم، پس فرصت را غنیمت شماره‌ده، با تمام وجود سعی کنیم که از سر این سفره‌ی با برکت با دست پرُ برخیزیم، چون صاحبش با جود و سخا و کرامت خود هیچ‌گونه محدودیت در آن قرار نداده، این ماییم که با توبه و اندیشه در عملکرد و افکار خودمان می‌توانیم حیاتی که معمایش رسیدن به قرب الهی است را شروع کرده و دریابیم و این در صورتی امکان‌پذیر است که به وجود مطهر پیامبر عظیم الشان

حضرت محمد (ص) و اهل بیتش توسل بجویم و عاجزانه بخواهیم که ما را با مقام محمودشان شفاعت و هدایت نمایند و بر سر حوض کوثر، مهمان نمایند که توصیف آن را از سرور عالمیان می‌شنویم که فرمودند: آنچه آفرینش را در حیاتش رنگ بخشید بزرگی روح خلیفه بود که در درونش مجموعه‌ای از الوان‌ترین زینت‌ها را ذخیره کرده بود تا به امر پروردگارش آن را آشکار سازد تا مقام محمود که همان مقام بندگی است به رنگ‌هایی الوان تزیین شود و هر بار یک رنگ آشکار گردد و جهان را با نور خود بیاراید، پس چشم‌ها به دنبالش به عظمتی منور گردد که پروردگار فرمود: رنگ، همان رنگ خدایی است و آب حوض کوثر در ظاهرش هم‌رنگ آبی است که پروردگار عالم تعیین فرموده و همگان آن را می‌بینند و جانشان را با آن تطهیر می‌کنند، آن را می‌نوشند تا حیاتشان ادامه یابد، پس باطنش با کدام دیده قابل درک است. چون مربوط به ذخیره‌ای است که در روح به امانت گذاشته شده است، امانتی که در بندگی گشوده می‌شود و رنگ خدایی‌اش آشکار می‌گردد.

اینک که ما شب‌های بزرگ و با عظمت قدر را آغاز می‌کنیم که در آن خداوند حکیم فرموده‌اند که قرآن کریم را در آن نازل فرمودند، باید به آن پناه ببریم که راه رسیدن به تقوا و بندگی و سعادت است؛ ولی واحسرتا که آن را امت مسلمان مهجور نمود درحالی‌که مراتب رشد در فرامین قرآن کریم در اقیانوسی که خود کتاب می‌فرماید اگر مرگب شود قادر به نوشتن نیست. ولی خواندن فرامین و دستورات پروردگار کریم به صورت کلمه‌هایی برای رفع امیال دنیوی تبدیل شده و تلاوت کنندگان این گنجینه‌ی هستی، آن را مانند دروس مدرسه برای گرفتن مدرک و پیمودن مراتب تلاوت آن، برای رسیدن به عنوان‌های دنیوی، در رقابت‌های کشش صداهای ظاهری قرار داده‌اند و آنچه می‌بینند کلمه و حروف است برای خواندن. می‌خوانند و گاهی از احوال اقوام گذشته متأثر می‌شوند و به حال آنان تأسف می‌خورند که چرا خود را در آتش قهر پروردگار کریم گرفتار کرده‌اند و از آنان در ذهن خود تصویری را می‌سازند که مستوجب عذاب بوده، درحالی‌که از پرده‌ی غیب بی‌خبرند و آثار آیات را در وجود برزخی‌شان درک نمی‌کنند. اگر قدرت تفکر مسلمانان به اندازه‌ای بود که می‌توانست نزول را درک کند از مراتب دنیوی فاصله می‌گرفت، در همان حالی که در تلاوت قرآن

کریم بود سرش مانند چهل چراغ می‌شد و بدنش در مقابل نزول وحی مانند سایه‌ای که در مدار قوی‌ترین انوار حق باشد از شدت نور دیده نشود.

چه زیباست این فرموده در مورد تلاوت کنندگان قرآن کریم که تلاوت کنندگان واقعی قرآن کریم کسانی هستند که پوست و گوشتشان از کلام الهی متغیر می‌شود و شکمشان از حرام تهی می‌شود و قلبشان از خون متعفن تهی می‌گردد. آنچه در وجودشان به جریان می‌افتد دریایی است که مائده‌هایی چون مائده‌ی حواریون را در خود پرورش داده تا از آن مائده بخورند و به پیمان‌های الست برسند، قالو بلی را در رگ‌هایشان بشنوند و عشق را در نهان وجودشان از حالت احساس به حقیقتی استوار برسانند، ولی افسوس، هزاران هزار بار افسوس که مدعیان قرآن، امیر مؤمنان علی (ع)، قرآن ناطق و روح و جان قرآن را در بهترین جایگاه، فرقتش را شکافتند و ندای لا حکم الا لله را سر دادند؛ و امیر مؤمنان (ع) چه زیبا جواب دادند که به خدای کعبه رستگار شدم. بله ایشان آیات قرآن را برای اولین بار بر خلاف آنان که با جوهر و قلم می‌نوشتند آن را با خون پاکش نوشت و تا قیامت تفسیر نمود، درحالی‌که قلب نازنینش به جهالت آنان می‌سوخت و در همه‌ی عمر مبارکش لحظه‌ای از هدایت آنان از پا ننشست. همان‌گونه‌ای که فرزند گرامی‌اش امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) در این عصر و زمانه که با وجود غفلت امت مسلمان از حضور بی‌وقفه‌ی ایشان انجام می‌دهند و باید یقین و باور کرد که صدای حق همواره بلند و گویا بوده و حق طلبان، همان کسانی هستند که در راه خدا با جان و مالشان جهاد می‌کنند و به پیرایه‌های زودگذر دل را نمی‌بازند، زندگی با رنج را به زندگی خوش و زودگذر ترجیح می‌دهند و زبان به ستایش پروردگارش می‌گشایند تا با امام زمانشان باشند و ساعات را در کنار او سپری کنند و از فضایلش، جان را جاودانه گردانند. پس برای تحقق آن هر لحظه از خداوند متعال مدد می‌خواهیم و فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج